

بررسی تفسیری آیات ناظر به جایگاه تلاوت قرآن و آثار آن با تأکید بر آیه ۲ انفال^۱

سید رضا مودب*
محسن قائمی**

چکیده

شناخت دین اسلام، در مرحله نخست با معرفی و تبیین آیات قرآن کریم توسط رسول خدا ﷺ صورت گرفت. با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی عصر نزول، مانند: ابتدایی بودن خط، تعداد اندک افراد دارای قدرت خواندن و نوشتن و گستره جغرافیایی وسیع دعوت، به نظر می‌رسد بهترین راه برای تبلیغ دین و معرفی قرآن کریم، تلاوت قرآن بوده است. با دقت در آیات قرآن کریم، مشاهده می‌شود که آثار مختلفی بر تلاوت قرآن مترتب شده است. محور این نوشتار، تأثیرهای تلاوت قرآن بر هدایت قلبی مخاطبان است؛ از این رو بر ایجاد و ازدیاد ایمان تأکید شده است. از طرفی، برای تأثیرپذیری از تلاوت قرآن، لازم است شرایطی در افراد موجود باشد، مانند: اراده، قلب خاشع و خود را مخاطب قرآن دیدن که از مراجعه به آیات به دست می‌آید. نوشته پیش رو با نگاه به آیات کلام الله و استفاده از متون تفسیری، در صدد بررسی و تبیین بخشی از آثار تلاوت قرآن و شرایط تأثیرپذیری از آن است.

واژگان کلیدی

آیه ۲ انفال، تلاوت قرآن، آثار تلاوت، تأثیرپذیری از تلاوت.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانش‌آموخته محترم است.

reza@moaddab.ir

*. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم.

** دانش‌آموخته مدرسی معارف اسلامی گرایش قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول).

mohsenqaemi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۲

طرح مسئله

نیازمندی اهل ایمان و جوامع اسلامی به معرفت و معنویت، به منظور زندگی سعادت‌مندانه و رستگاری در سرای آخرت، نیازی ضروری است. یکی از مسائل تضمین‌کننده این مهم، «تلاوت قرآن کریم» است. با توجه به نصوص اسلامی، تلاوت قرآن واجد جایگاهی بزرگ است. یکی از راه‌ها برای شناخت یک موضوع و به‌دست آوردن ارزش آن، بررسی آثار مترتب بر آن است. از طرفی، گاهی یک عمل، فاقد آثاری است که انتظار می‌رود. نوشتار حاضر، با پژوهش در آیات و روایات، پاسخ‌گوی سؤال‌های زیر است:

- با توجه به آیات قرآن کریم، تلاوت قرآن از چه جایگاهی برخوردار است؟

- آثاری که بر تلاوت قرآن مترتب است، کدام است؟

- آیا تلاوت قرآن، موجب ایجاد و افزایش ایمان در مستمعان می‌شود؟

مقدمه

برای تحقق ایمان یا افزایش درجات آن و ایجاد شوق در مخاطبان کلام وحی، در نخستین گام باید محتوای الهی دعوت به ایمان، به مخاطب ابلاغ شود و وی در معرض آن محتوا قرار گیرد. پنجره ورودی این ابلاغ، ممکن است یکی از دو طریق چشم یا گوش فرد باشد؛ یعنی مخاطب، یا متن دعوت را «دیده» و در صدد اندیشه و فهم پیرامون آن برآمده و گرایش به باورمندی در او ایجاد می‌شود؛ و یا آن پیام را از راه گوش، «شنیده» و قوه تعقل خود را به کار می‌گیرد. تعبیر ثنائی «قرآن و کتاب» در معرفی کلام‌الله در آیه شریفه «تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَ كِتَابٍ مُّسِينٍ؛ (نمل / ۱) این است آیات قرآن و [آیات] کتابی روشنگر»، همین برداشت را تقویت می‌کند؛ چراکه به تصریح مفسران، استفاده از این دو اسم، اشاره به دو ویژگی خواندنی بودن و نوشتنی بودن قرآن دارد. (طوسی، بی‌تا: ۸ / ۷۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۳۲۹؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۶۹: ۱ / ۶۰ / قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۳ / ۱۵۴)

با توجه به ادله و شواهد گوناگون، از جمله وضعیت فرهنگی عصر نزول، معنای لغوی «قرآن»، عکس‌العمل دشمنان قرآن و فرازهایی از معارف درونی قرآن کریم، به نظر می‌رسد که محور بعثت رسول اکرم ﷺ و اساس تبلیغ و ترویج دین اسلام توسط آن حضرت، «تلاوت آیات قرآن» بوده است. به‌طور قطع اخلاق الهی پیامبر رحمت، جذبه و سرعت پذیرش حق را موجب می‌شد؛ (آل‌عمران / ۱۵۹؛ قلم / ۴) اما ملاقات و زیارت حضرتش به صورت فراگیر برای همه افراد در جغرافیای گسترده دعوت، میسر یا میسر نبود. از جمله دلایل اهمیت رسانه‌ای تلاوت قرآن، می‌توان به این موارد اشاره نمود: ابتدایی بودن خط؛ معنای لغوی قرآن و گستره جغرافیایی دعوت.

در توضیح این موارد، باید گفت: نظر به ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی دوران بعثت، تبلیغ و ابلاغ آیات به مردم از طریق متن و صورت کتابتی وحی، عملی نبوده؛ چراکه جمعیت محدود افراد باسواد^۱ و ابتدایی بودن خط (معرفت، ۱۳۸۲: ۱۲۳ و ۱۴۲)، توفیق چندانی را در این جهت، نصیب پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان اندک در سال‌های آغاز دعوت نمی‌کرد. بهترین راه معرفی و ترویج وحی، تلاوت آن توسط رسول گرامی و سپس تعلیم آن به مسلمانان و آنگاه گسیل داشتن قاریان به نواحی مختلف بود (زرقانی، بی تا: ۱ / ۳۰۷)؛ یعنی از دو راه پیش گفته برای ابلاغ محتوا به مخاطب، غالباً راه تلاوت و استماع آن کاربرد داشت. تلاوت آیاتی از سوره مریم، توسط جعفر بن ابی طالب در حضور نجاشی پادشاه حبشه و تأثیر والای آن در وی، یکی از این نمونه‌ها است. (طبرسی، ۱۴۱۷: ۴۴؛ راوندی، ۱۴۰۹: ۳۲۲) از این رو در قرآن کریم، امر به تلاوت و قرائت مکرر خطاب به پیامبر صورت گرفته است. (مائده / ۲۷؛ انعام / ۱۵۱؛ اعراف / ۱۷۵؛ یونس / ۷۱؛ کهف / ۲۷؛ شعراء / ۶۹؛ عنکبوت / ۴۵؛ علق / ۱ و ۳)

از طرفی، ریشه لغت «قرآن» و هیئت این کلمه، معنای خوانده شده و خواندنی را با خود همراه دارد. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵ / ۲۰۵) برخی دانشمندان تصریح کرده‌اند که قرآن را بدین سبب قرآن نامیدند که کتابی است خواندنی که باید آن را خواند؛ و آیات آن به واسطه قرائت، ظاهر و آشکار می‌شود. (برسوی، بی تا: ۸ / ۱۰۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲ / ۱۵ و ۱۵ / ۳۳۹؛ طیب، ۱۳۶۹: ۵ / ۴۵۴؛ ملکی میانجی، ۱۴۴۰: ۳۰ / ۳۴۹؛ قرشی، ۱۴۱۲: ۵ / ۲۶۲) و از سویی، بنا به نص قرآن کریم، دامنه مکانی بعثت پیامبر خاتم ﷺ، عالم گیر است. برخی آیات، گستره انذار رسول خدا توسط قرآن را بیان کرده: «وَ أَوْحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ» (انعام / ۹۰) و «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَيَّ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا». (فرقان / ۱) برخی ناظر به وسعت مخاطبان پیامبر از حیث نسل و عصر است: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» (اعراف / ۱۵۸) و آیاتی نیز اشاره به فراگیری دعوت قرآن کریم برای تمام عالمیان دارد: «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ». (یوسف / ۱۰۴؛ ص / ۸۷؛ تکویر / ۲۷) اما آیا برای تمام مخاطبان مکانی و زمانی، دعوت مشافهه‌ای رسول خدا ﷺ میسر است؟ بدون شک، میسرترین راه برای عالمان و عامیان، استماع است و همین امر، زمینه هدایت جوامع مختلف را موجب شده و می‌شود.

۱. اصولاً در محیط حجاز به اندازه‌ای باسواد کم بود که افراد باسواد کاملاً معروف و شناخته شده بودند؛ در مکه که مرکز حجاز محسوب می‌شد، از مردان تعداد کسانی که می‌توانستند بخوانند و بنویسند، از ۱۷ نفر تجاوز نمی‌کرد و از زنان، تنها یک زن بود که سواد خواندن و نوشتن داشت. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱: ۶ / ۴۰۱)

در کنار ویژگی‌های اعجازی الفاظ و ترکیبات و محتوای فخیم قرآن کریم، باید به نظم آهنگ و موسیقی فوق‌العاده تلاوت قرآن کریم نیز توجه کرد.

یکی از لوازم ضروری قرائت، صوت است. اهمیت این مقوله، افزون بر اینکه مطلبی عقلی است، در روایات مورد تأکید و توجه ویژه قرار گرفته است. رسول خدا ﷺ در روایتی، صوت نیکو را زیور قرآن دانسته (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۶۱۵) و در حدیث دیگری، آن را افزایش‌دهنده نیکویی قرآن برشمرده‌اند. (صدوق، ۱۳۷۸: ۲ / ۶۹) روایاتی نیز دال بر وجود وصف «صوت حسن» در معصومان ﷺ و ویژگی همه پیامبران الهی ﷺ است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۶۱۶) در طول تاریخ، هنر تلاوت قرآن سبب گرویدن و جذب افراد زیادی گردِ شمع نورانی قرآن کریم شده است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶: ۸ / ۱۰۴ - ۸۷)

با توجه به احادیث، قاری قرآن باید با صوتی خوش و لحنی گوش‌نواز و دل‌نشین به قرائت آیات شریفه الهی بپردازد. البته باید به این نکته ظریف نیز توجه داشت که یکی از ابعاد اعجازی قرآن کریم، همین قابلیت زیباخوانی آن است. برخی کارشناسان معتقدند: این خوش‌صدایی، پدیده‌ای بیگانه و تحمیلی بر کلام خالق نیست؛ بلکه با هارمونی یا ضرب آهنگ این کلام بی‌بدیل، هماهنگی کاملی داشته و درواقع، این ضرب آهنگ آزاد و نثر شگفت‌انگیز و آهنگ‌پذیر قرآن است که لحن و صدای خوش می‌طلبد. (فرجی، ۱۳۹۶: ۸) دیگری نوشته: «موسیقی و هارمونی قرآن کریم، همانند دیگر ابعاد آن، از جلوه‌های اعجاز آن است». (شورای عالی قرآن، ۱۳۹۳: ۱۴۵)

دلالت آیات در خصوص تلاوت قرآن کریم و آثار آن

درباره تلاوت قرآن کریم و آثار آن، آیات مشحون از رهنمودند. بخشی از این رهنمودها ناظر به اصل جایگاه تلاوت و تالیان قرآن کریم است و بخشی دیگر، به بیان آثار مترتب بر تلاوت پرداخته‌اند.

۱. جایگاه تلاوت قرآن کریم

در بررسی آیات، ابتدا به حجم بالایی از نصوص دینی برخورد می‌شود که به اصل قرائت قرآن و بیان اهمیت آن پرداخته و بر آن تأکید دارند. آیات قرآن کریم در موضوع تبیین جایگاه تلاوت قرآن، در چند شاخه بیان دارد:

الف) امر صریح به قرائت

در دسته‌ای از آیات، با صراحت به قرائت یا تلاوت آیات قرآن کریم امر شده؛ چه اوامر متوجه رسول خدا و چه خطاب به عموم اهل ایمان؛ مانند:

أُتِلُّ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ. (عنکبوت / ۴۵)
آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان.
فَأَقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ. (مزمّل / ۲۰)
هرچه از قرآن میسر می‌شود، بخوانید.

ب) تشویق غیرمستقیم به تلاوت

گروهی از آیات نیز، مؤمنان را به صورت غیرمستقیم، به تلاوت تشویق کرده است؛ نظیر:

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا * وَ يَقُولُونَ
سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا * وَ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَ يَزِيدُهُمْ خُشُوعًا.
(اسراء / ۱۰۹ - ۱۰۷)

کسانی که پیش از [نزول] آن، دانش یافته‌اند، چون [این کتاب] بر آنان خوانده شود سجده‌کنان به روی، درمی‌افتند و می‌گویند: منزه است پروردگار ما، که وعده پروردگار ما قطعاً انجام شدنی است. و بر روی زمین می‌افتند و می‌گیرند و بر فروتنی آنها می‌افزاید.

شیخ طوسی، ازدیاد ایمان این گروه از اهل کتاب را به سبب وجود مواعظ و عبرت‌هایی که در قرآن وجود دارد می‌داند. (طوسی، بی‌تا: ۶ / ۵۳۲) نیز آیه شریفه:

إِنَّ الَّذِينَ يُتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً
لَنْ تُبْورَ. (فاطر / ۲۹)

در حقیقت، کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه بدیشان روزی داده‌ایم، نهان و آشکارا انفاق می‌کنند، امید به تجارتي بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد.

علامه طباطبایی، پس از بیان اینکه خدای تعالی در این آیه، تلاوت قرآن را می‌ستاید، به دو احتمال موجود در جواب «إِنَّ» اشاره کرده و درباره آیه بعد می‌گوید: این آیه متعلق به «یتلون» و دیگر افعال معطوف بر آن است و دلالت دارد که تالیان قرآن اعمالشان را برای دریافت پاداش کامل از جانب پروردگار انجام می‌دهند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷ / ۴۳) روشن است که تکریم و تعظیم تالیان کلام‌الله، در قلوب اهل ایمان، اشتیاق تلاوت قرآن را در ایشان ازدیاد می‌بخشد و همین شوق، انسان را به حرکت و رشد رهنمون می‌سازد.

ج) نسبت دادن قرائت به خود خدا

در قرآن کریم گاهی قرائت و تلاوت، به خود پروردگار نسبت داده شده است: «تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْزِيلُهَا عَلَيْكَ يَا حَقُّ» (بقره / ۲۵۲؛ آل عمران / ۱۰۸؛ جاثیه / ۶) اینها آیات خداست که آن را به حق بر تو می‌خوانیم» و «فَإِذَا قرآنُهُ فَاتَّعِ قرآنَهُ» (قیامه / ۱۸) پس چون آن را برخواندیم، [همان گونه] خواندن آن را دنبال کن». این آیات نیز می‌تواند مؤید دیگری برای بیان جایگاه اصیل و والای تلاوت قرآن باشد.

د) تلاوت آیات الهی، رسالت همه انبیا

در قرآن کریم یکی از شئون رسالت همه انبیا، تلاوت آیات الهی بر امت‌شان شمرده شده است. این مطلب، بیانگر این مهم است که همواره تلاوت و به سمع رساندن دعوت الهی، وظیفه‌ای امیدبخش در هدایت است. به‌عنوان نمونه، خدای متعال می‌فرماید:

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا. (قصص / ۵۹)
و پروردگارت بر آن نبوده است که شهرها را نابود کند، تا آنکه [پیش از نابودی] در مرکز آنها پیامبری برانگیزد که آیات ما را بر آنان بخواند.

این مسئله، درباره پیامبر اکرم ﷺ مکرر ذکر شده است. (بقره / ۱۵۱؛ آل عمران / ۱۶۴؛ جمعه / ۲؛ طلاق / ۱۱؛ بینه / ۲) یعنی یکی از تکالیف رسولان الهی، برای دعوت و ابلاغ کلام حق، تلاوت کلام وحی بر امت است (قرآنی، ۱۳۸۸: ۷ / ۷۹) و این، همان فراهم کردن زمینه هدایت به‌وسیله تلاوت است. پس تلاوت، در ایجاد ایمان، نقشی کلیدی دارد که وظیفه قاطبه رسولان شمرده شده است؛ چنانچه اتمام حجت نیز با تلاوت محقق می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶ / ۶۲)

ه) امر به استماع تلاوت قرآن

در قرآن کریم، آیاتی است که توصیه و امر به استماع تلاوت قرآن فرموده، مانند:

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ (اعراف / ۲۰۴)
و چون قرآن خوانده شود، گوش به آن فرا دارید و خاموش مانید، امید که بر شما رحمت آید.

صاحب تفسیر *المیزان*، دلالت این آیه را لزوم انصات در عموم اوقات و اعم از لزوم رعایت

سکوت هنگام نماز جماعت می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸ / ۳۸۲)

۲. آثار تلاوت قرآن

در آیات و روایات، آثار و برکات متعددی بر تلاوت قرآن مترتب شده است. در ادامه به برخی از این آثار در ساحت آیات اشاره می‌شود. از میان آثار فراوان تلاوت قرآن که در خود قرآن بیان شده، تنها به ذکر آثاری که در حیطه هدایت قلبی است، پرداخته می‌شود.

الف) ایجاد ایمان

یکی از آثار مترتب بر تلاوت قرآن کریم، ایجاد ایمان است. در آیات مختلفی از قرآن به این مسئله اشاره شده است و بیان شده که افراد یا گروه‌های مختلفی بر اثر استماع آیات و تلاوت قرآن به ایمان گرویده‌اند. نمونه‌هایی از این دسته از آیات، چنین‌اند:

وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ الرَّسُولَ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. (مائده / ۸۳)

و چون آنچه را به سوی این پیامبر نازل شده، بشنوند، می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند، اشک از چشم‌هایشان سرازیر می‌شود. می‌گویند: پروردگارا، ما ایمان آورده‌ایم؛ پس ما را در زمره گواهان بنویس.

صاحب **مجمع البیان** داستان نزول این آیات را در حق نصاری که از شام و حبشه همراه با جعفر بن ابی طالب به مدینه آمدند، نقل می‌کند. در ضمن این نقل، ابتدا به قرائت آیات سوره مریم توسط جعفر در حضور پادشاه حبشه و اذعان وی به حقانیت آن اشاره شده و در ادامه، قرائت سوره یس توسط رسول خدا بر گروه همراه جعفر در مدینه ذکر می‌شود. عکس‌العمل این گروه در برابر تلاوت کلام حق، پذیرش و ایمان است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۳۶۱) مؤلف **المیزان**، روایتی از **تفسیر علی بن ابراهیم قمی** نقل می‌کند که در آن به اسلام آوردن نجاشی پادشاه هم تصریح شده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶ / ۸۶)

همچنین در آیات ۲۹ تا ۳۲ سوره احقاف، ایمان طایفه‌ای از جنیان بر اثر استماع قرآن ذکر شده است. در **المیزان**، این آیات، طعنه بر مشرکان دانسته شده؛ چراکه مشرکان، به کتابی که به زبان آنان نازل شده و معجزه بودنش را باور دارند کفر می‌ورزند؛ اما جنیان، با استماع آیات قرآن، ایمان آورده و برای معرفی و تبلیغ آن، به سوی قوم خود راهی می‌شوند. در آیات بعد نیز حکایت دعوت و انذار آنها در میان طایفه خود ذکر می‌شود. (همان: ۱۸ / ۲۱۶)

پس منشأ ایمان اقوام و افرادی، استماع تلاوت و قرائت قرآن است. البته وجود مقتضی، در به‌دست

آمدن این امر مهم، کافی نیست؛ بلکه عدم مانع نیز برای تحقق ایمان لازم است که در برخی آیات، عدم استکبار، از آن جمله شمرده شده است. (مائده / ۸۲؛ ن. ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶ / ۸۱)

ب) ازدیاد ایمان

در قرآن کریم، آیاتی پیرامون رابطه تلاوت با ازدیاد ایمان وجود دارد. آیه اصلی که الهام‌بخش این مقاله بوده است، آیه‌ای است که در آن، یکی از اوصاف مؤمنان راستین، افزایش ایمان ایشان در برابر شنیدن تلاوت آیات الهی دانسته شده است. برای فهم بهتر مفاد آیه، لازم است که به آن در سیاق آیات قبل و بعد نگرسته شود. خداب متعال در آغاز سوره انفال، با بیان شرط ایمان برای عمل به سفارش‌های الهی، به تعریفی از مؤمنان پرداخته و می‌فرماید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَرِزْقَانَهُمْ يُنْفِقُونَ * أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (انفال / ۴ - ۱)

به نام خداوند رحمتگر مهربان؛ ای پیامبر، از تو در باره غنایم جنگی می‌پرسند. بگو: غنایم جنگی، اختصاص به خدا و فرستاده [او] دارد؛ پس، از خدا پروا دارید و با یکدیگر سازش نمایید؛ و اگر ایمان دارید، از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. مؤمنان، همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود، دل‌هایشان بترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود، بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می‌کنند. همانان که نماز را به پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می‌کنند. آنان هستند که حَقًّا مؤمنند؛ برای آنان، نزد پروردگارشان درجات و آمرزش و روزی نیکو خواهد بود.

چنانچه ملاحظه می‌شود، در این آیه، سه دستور «رعایت تقوا، اصلاح ذات‌البین و اطاعت از خدا و رسول خدا»، به داشتن ایمان منوط شده است. به همین جهت و برای روشن شدن حدود ایمان و نشانه‌های اهالی ایمان، خدا در آیات بعد به وصف ایشان پرداخته و پنج صفت را بیان می‌کند: ترس باطنی نسبت به عظمت الهی، افزایش ایمان هنگام شنیدن آیات الهی، توکل بر خدا، برپاداشتن نماز و در نهایت، انفاق. اگر ترتیب این اوصاف پنج‌گانه را ملاک بگیریم، باید هر وصفی را متوقف بر وصف قبلی و پیامد آن بدانیم. ابتدا وصف «وجل» ذکر شده که ترس و هراسی است که در مقابل مشاهده عظمت پروردگار، زاده می‌شود. برخی مفسران و اهل لغت، «وجل» را با خوف و فرع مترادف دانسته‌اند.

(طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۷۹۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱ / ۷۲۲) در مرتبه دوم، وصف مورد بحث ما که «ازدیاد ایمان بر اثر استماع تلاوت قرآن» است ذکر شده و آنگاه توکل. اینکه خوف و خشیت الهی، بر ازدیاد ایمان بر اثر استماع آیات الهی مقدم شده، بیانگر این نکته است که ابتدا باید فرد، با اختیار و آگاهی، ایمان را پذیرا شود؛ وانگهی در صورت داشتن قابلیت، پروردگار به او ایمان و هدایتی پاداشی نیز ارزانی می‌فرماید که در اینجا این هدیه، از طریق تلاوت صورت می‌گیرد. نشانه این آمادگی و پذیرش، همان خشیت و وجل و خوفی است که با شناخت اولیه فرد از قدرت، شوکت و جلال خدا به دست آمده و قابلیت را در فرد برای رشد هرچه بیشتر فراهم کرده؛ به صورتی که با یادآوری خدا، ناچیز بودن خود مقابل حضرت حق را به یاد آورده و هراس او را فرا می‌گیرد؛ و سپس با شنیدن آیاتی که بر وی تلاوت می‌شود، بر آن باور اولیه افزوده شده و توسعه و افزایش در گستره ایمان وی پدید می‌آید. در ادامه، با این شناخت، جایی برای تکیه بر هیچ مخلوقی ندیده و یکسره بر خدای یگانه توکل می‌کند. این سه، عملیات درونی و قلبی فرد مؤمن است؛ اما دو وصف آتی، جنبه‌ای بیرونی و عملی دارد. خضوع کامل و عبودیت خالصانه و آنگاه توجه و رسیدگی به نیازهای آحاد اجتماع (یعنی دو وصف اقامه نماز و انفاق).

یکی از مباحث مطرح شده در این آیه، آن است که آیا این ازدیاد ایمان، کیفی است یا کمی؟ یعنی آیا این، درجات یقین مؤمنان است که افزایش می‌یابد یا به سبب افزایش گروندگان، کمیت و تعداد مؤمنان افزایش پیدا می‌کند. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳ / ۳۹) با توجه به شرایط و اوصاف پنج‌گانه مذکور در آیه، به نظر می‌رسد که ازدیاد در مورد درجات یقین افراد و ارتقای کیفیت ایمان است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹ / ۱۲) عبارت پایانی این آیات در بیان پاداش این طایفه از مؤمنان، یعنی تعبیر «درجات» نیز می‌تواند مؤید همین مطلب باشد که این مراتب آحاد مؤمنان است که بنا بر مساعی ایشان، متفاوت می‌گردد.

مطلب دیگر اینکه آیا این اوصاف پنج‌گانه، شرایط لازم برای اتصاف به وصف مؤمن است؛ یا این آیات در صدد بیان مراتب بالا و درجات اعلای مؤمنان است؟ با اینکه برخی خواسته‌اند که از این حصر اوصاف «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ» و تأکید پایانی «هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا»، فاقدان اوصاف مذکور را غیرمؤمن بدانند؛ اما با توجه به ادله مختلف، این نظر مردود است. باید گفت که ترس قلبی، امری واجب در شرع نیست؛ نماز و انفاق نیز اعم از موارد وجوبی و موارد مستحبی است. بله، اگر مؤمنی به تمام این اوصاف متصف شد، نسبت به مؤمنی که مورد یا موارد کمتری را دارا است یا فقط به واجبات مقید است، حائز درجه ایمانی بالاتری است. (طوسی، بی‌تا: ۵ / ۷۶؛ رازی، ۱۴۰۸: ۹ / ۶۲)

آخرین نکته، اینکه این ازدیاد ایمان که بر اثر تلاوت قرآن حاصل می‌شود، به چه معنا است؟ اتفاقاً این مطلب، یکی از بحث‌هایی بوده که مورد توجه برخی دانشمندان و نویسندگان قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه، شیخ طوسی از ربیع نقل کرده که ازدیاد ایمان، به معنای ازدیاد حسنه است. (طوسی، بی‌تا: ۵ / ۷۷) امین الاسلام طبرسی این ازدیاد را افزایش یقین، آرامش جان و تصدیق‌های آیات جدید علاوه بر آیات گذشته دانسته است. (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲ / ۲) ماتریدی، ثبات و قوت را افزایش ایمان دانسته. (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۵ / ۱۵۴) ابن‌جوزی افزون بر تصدیق و یقین، خشیت را نیز به نقل از ربیع بن انس ذکر کرده است. (ابن‌جوزی، ۱۴۲۲: ۲ / ۱۸۸) زمخشری علاوه بر یقین و طمأنینه، زیادت عمل را نیز احتمال داده است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۹۶) عبدالرزاق رسعی، بعد از نقل رأی ابن‌عباس که زیادت ایمان را زیادت تصدیق و یقین دانسته، این‌چنین توضیح می‌دهد که مؤمنان با شنیدن قرآن، دلایل ایمانی در ذهنشان آشکار شده و در نتیجه به یقین و ایمان و طمأنینه‌شان، افزوده می‌شود. (رسعی، ۱۴۲۹: ۲ / ۳۶۳) در تفسیر منسوب به ابن‌عربی، این زیادت، ارتقا از درجه «علم» به درجه «عین» دانسته شده است.^۱ (ابن‌عربی، ۱۴۲۲: ۱ / ۲۴۹) تقریر ابن‌عرفه در خصوص این مسئله چنین است که این زیادت، یا تصدیق و اعتقاد قلبی است و یا زیادت‌های رفتاری و بدنی. اولی ممنوع است؛ چراکه اعتقادات، کم و زیاد نمی‌شود! اما دومی، پذیرفتنی است. اما در چگونگی آن، سه نظر وجود دارد. یکم آنکه زیادت، به اعتبار متعلق‌های ایمان باشد. دوم آنکه به معنای کثرت و زیادت اعمال صالح باشد؛ و سوم آنکه زیادت در ادله، مراد است. (ابن‌عرفه، ۲۰۰۸: ۲ / ۲۷۸) علامه طباطبایی نیز شدت و قوت ایمان و نیل به مرحله والای یقین را ذکر کرده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹ / ۱۱)

در بررسی اقوال فوق باید گفت هرچند، می‌توان از ایمان، تعبیر به «حسنة» نیز کرد، اما گستردگی معنای ایمان، ما را از پذیرفتن این حمل بازمی‌دارد؛ چراکه حسنه، فقط مصداقی از مصداقی ایمان است. همچنین، حمل ایمان بر خشیت نیز، پذیرفتنی نیست؛ چراکه در این صورت، تکرار وصف نخست مؤمنان لازم می‌آید و این مسئله خلاف بلاغت است. اما ارتقا از درجه علم به عین نیز، از ثمرات ازدیاد ایمان است، نه معنای آن؛ مانند طمأنینه و آرامش که می‌تواند از آثار افزایش ایمان باشد. مفهوم این ادعا که اعتقاد و ایمان، کم و زیاد نشدنی است هم، روشن نیست؛ چراکه تفاوت قوت و قدرت ایمان و درجات اعتقادی انسان‌های مختلف، مسئله‌ای روشن و قابل

۱. البته بنا بر برخی پژوهش‌ها، این تفسیر، برای عبد الرزاق کاشانی و همان «تأویلات عبد الرزاق» است که بر خلاف ابن‌عربی، اعتقادات شیعی داشته و در تفسیر خود، از روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام بهره برده است.

مشاهده در اقوال و احوال آنها در طول تاریخ و مؤید به آیات و روایات است. اما معانی دیگری که برخی مفسران به آن اشاره کرده‌اند؛ یعنی افزایش یقین، تصدیق آیات و زیادت عمل را می‌توان نزدیک‌تر به معنای ازدیاد ایمان دانست. تلاوت آیات الهی بر مؤمن، یقین وی را بر عظمت و قدرت خدا افزایش داده، موجب پذیرفتن آن نشانه‌ها گشته و او را بر انجام تکالیف الهی انسانی‌اش مصمم‌تر می‌کند. امیرمؤمنان علیه السلام تلاوت قرآن را سبب باروری ایمان دانسته و فرموده‌اند: «لِقَاحُ الْإِيمَانِ تَلَاوَةُ الْقُرْآنِ». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۱۱) در این کلام معصومانه، نقش بسزای تلاوت در هدایت ایمانی و سلوک موحدانه، به روشنی بازگو شده است. اهل لغت، گاهی از لقاح به «نطفه» تعبیر کرده‌اند؛ (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳ / ۴۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲ / ۵۷۹؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۷۴۴) گویی نقش تلاوت قرآن در رشد ایمان افراد، بسیار اساسی و پدرا نه است.

پس از شکل گرفتن اصل ایمان در قلب، انسان مؤمن باید به دنبال ازدیاد ایمان، ارتقای درجه و استحکام و نائل شدن به مراتب بالای آن باشد. نظر به آیات قرآن کریم، یکی از اسباب ازدیاد ایمان، استماع آیات قرآن است. در آیه «وَ إِذَا مَا أَنْزَلْتُ سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ» (توبه / ۱۲۴) نیز به‌طور آشکار به افزایش ایمان در قبال نزول قرآن و - بالتبع - تلاوت و استماع آن، اشاره کرده است. صاحب تفسیر *تبیان*، زیادت ایمان مؤمنان را در اثر نزول سوره‌های قرآن این‌گونه تبیین کرده که ایشان در مواجهه با آیات قرآن، آنها را تصدیق کرده و به الهی بودن آن و محتوای آن اعتراف کرده و معتقد می‌شوند. روشن است که زیادت وقتی معنا دارد که ابتدا اصل مسئله، موجود باشد تا اینکه افزایش، معنا پیدا کند. (طوسی، بی‌تا: ۵ / ۳۲۵)

شرایط تأثیرپذیری از تلاوت قرآن کریم

پس از آشنایی با جایگاه والای تلاوت و آگاهی از آثار شگفتی که آیات قرآن درباره آن بیان داشته‌اند، این سؤال پیش می‌آید که آیا تأثیر و نفوذ قرآن در دل‌ها شرایط و اقتضای دارد یا خیر؟ پاسخ اجمالی به این پرسش، این است که بله، باید مقتضی برای تأثیرپذیری از تلاوت قرآن در افراد، موجود باشد و هر فرد به اقتضای میزان آمادگی خود هنگام تلاوت قرآن و استماع آیات الهی، از برکات و هدایت‌های قرآن کریم بهره‌مند شود. اکنون برخی شرایط لازم در مستمع تلاوت قرآن برای بهره بردن از هدایت و برکات آن بررسی می‌گردد.

۱. لزوم داشتن اراده رشد توسط مستمعان تلاوت

یکی از نکات مهمی که نباید مورد غفلت واقع شود این است که قابلیت تأثیرگذاری توسط تلاوت

قرآن، یک روی سکه است و روی دیگر آن، اختیار و اراده افراد به حرکت به سوی هدایت و رشد است. چنانچه مستمع و ناظر آیات قرآن، درجاتی از خلوص، ایمان و اعمال صالح را دارا بوده و اراده بر افزایش ایمان داشته باشد، قرآن، سبب ایجاد، افزایش و استواری هدایت و نیکی‌هایش شده و چنانچه فاقد این اوصاف بوده و ظلمت‌ها و ظلم‌ها وجودش را پُر کرده باشد و اراده‌ای بر حرکت در طریق مستقیم نداشته باشد، مراجعه‌اش به قرآن، او را تاریک‌تر کرده و از حق، دورتر می‌سازد. آیات مختلفی این اصل را بیان کرده است.

آیات دال بر لزوم وجود اراده برای رشد و عمل بر طبق آن

آیات فراوانی دلالت بر لزوم وجود اراده بر تحرک و پیشرفت دارد که به بعضی از آنها اشاره می‌شود: «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا». (اسراء / ۱۹) در این آیه و آیات مشابه، اراده مکلف بر ساخته شدن و حرکت او برای عمل به معتقدات، یکی از مهم‌ترین اسباب رشد و هدایت و پاداش الهی دانسته شده است. عدم اراده بر رشد و نیاندیشیدن در راه حق، مستمعان قرآن را به انسان‌هایی ناشنوا تبدیل خواهد کرد که هدایت شدن آنها، امری بعید است: «وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَ لَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ». (یونس / ۴۲) در همین عِداده، آیات فراوانی است که پاداش یا عقاب الهی را بر رفتار خود آدمی مترتب دانسته. تعابیری نظیر «وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا»؛ (انسان / ۱۲) «كُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كَسَبْتُمْ تَعْمَلُونَ»؛ (مرسلات / ۴۳) «وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ»؛ (بقره / ۱۰) یا تعابیر کلی دیگری مانند: «كُلُّ أَمْرٍ بِمَا كَسَبَ رَهينٌ» (طور / ۲۱)؛ «وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى» (نجم / ۳۱) و «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهينَةٌ»؛ (مدثر / ۳۶) که در آنها به صراحت، جزای اخروی مکلفین، در گرو اعمال آنها دانسته شده است.^۱

۲. لزوم داشتن قلب خاشع

یکی از بایسته‌های قاریان و مستمعان تلاوت قرآن، خشوع، فروتنی و تذلل در برابر خداست. لزوم رعایت این وصف در دریافت هدایت و تقویت ایمان، همواره مورد سفارش نصوص دینی است. روشن است که فرمانده حالات معنوی انسان قلب اوست؛ بنابراین، تعبیر صحیح «قلب خاشع» است. در ادامه به تعدادی از آیات در این باره اشاره می‌شود:

۱. مؤلف *التمهید*، در مجموع ۴۰ آیه با عنوان «*الافعال الاختیاریه*» را جمع‌آوری کرده است؛ (معرفت، ۱۴۱۰: ۳ / ۱۶۷ - ۱۶۳).

آیات دال بر بایستگی وصف خشوع در برابر قرآن مجید

واژه‌های برگرفته شده از ریشه «خ ش ع»، جمعاً ۱۷ بار در قرآن کریم استفاده شده‌اند. اما به نظر می‌رسد آنچه به قرآن و تلاوت آن مربوط است، این چهار مورد است:

وَ لِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ تَمَنَّا قَلِيلاً أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ؛
(آل عمران / ۱۹۹)

و البته از میان اهل کتاب کسانی هستند که به خدا و بدانچه به سوی شما نازل شده و به آنچه به سوی خودشان فرود آمده ایمان دارند، درحالی که در برابر خدا خاشعند، و آیات خدا را به بهای ناچیزی نمی‌فروشند. اینانند که نزد پروردگارشان پاداش خود را خواهند داشت. آری! خدا زودشمار است.

قُلْ آمَنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّداً * وَ يَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولاً * وَ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَ يَزِيدُهُمْ خُشُوعاً؛ (اسراء / ۱۰۹ - ۱۰۷)

بگو: «[چه] به آن ایمان بیاورید یا نیاورید، بی‌گمان کسانی که پیش از [نزول] آن دانش یافته‌اند، چون [این کتاب] بر آنان خوانده شود سجده‌کنان به روی درمی‌افتند.» و می‌گویند: «منزه است پروردگار ما، که وعده پروردگار ما قطعاً انجام شدنی است.» و بر روی زمین می‌افتند و می‌گریند و بر فروتنی آنها می‌افزاید.

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَ مَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَ لَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ؛ (حدید / ۱۶)

آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند هنگام آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدان‌ها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید و دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند؟

لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ حَشْيِهِ اللَّهُ وَ تَلُكُ الْأُمْتَالُ أَنْفُسَهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ؛ (حشر / ۲۱)

اگر این قرآن را بر کوهی فرومی‌فرستادیم، یقیناً آن [کوه] را از بیم خدا فروتن [و] از هم پاشیده می‌دید. و این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم، باشد که آنان بیندیشند.

اکنون از میان آیات مزبور، به بررسی مختصر آیه سوره حدید پرداخته می‌شود. در این آیه، مخاطب، اهل ایمان‌اند؛ اما لسان آیه، همراه با توبیخ آنهاست. سبب توبیخ، عدم خشوع قلبی آنها در

برابر کلام الله المنزل است. اهمیت همراه داشتن وصف خشوع، آنگاه روشن می‌شود که در ادامه آیه، سرانجام عدم خشوع را قساوت قلب معرفی می‌فرماید و مؤمنان را از همانند شدن با افراد سخت‌دل از امت‌های پیشین، بر حذر می‌دارد. طبرسی، قساوت قلب را از دست رفتن خشوع قلب دانسته که منجر به ارتکاب معاصی و عادت بر آن می‌شود. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۳۵۸) صاحب *المیزان* خشوع قلب را، تأثر در قبال بزرگی و کبریایی خدا می‌داند و این احتمال را نیز یاد می‌کند که مراد از هر دو عبارت «ذکر الله» و «ما نزل من الحق» ممکن است قرآن باشد. در این صورت، هر دو وصف قرآن (ذکر بودن و حقیقت نازل شده بودن از سوی خدا)، دلالت بر بایستگی خشوع در برابر قرآن را می‌رساند. وی این آیه را عتاب بر مؤمنانی می‌داند که قساوت بر قلب‌هایشان عارض شده و در برابر ذکر خدا و حقی که از سوی او نازل شده است، خشوع ندارند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۹ / ۱۶۱) از آیه سوره حشر نیز، لزوم داشتن خشوع، روشن است. در *المیزان* آیه چنین معنا شده است:

اگر ممکن بود قرآن بر کوهی نازل شود و ما قرآن را بر کوه نازل می‌کردیم، قطعاً کوه را با آن همه صلابت و غلظت و بزرگی هیكل و نیروی مقاومتی که در برابر حوادث دارد، می‌دیدیم که از ترس خدای عز و جل متاثر و متلاشی می‌شود و وقتی حال کوه در برابر قرآن چنین است، انسان سزاوارتر از آن است که وقتی قرآن بر او تلاوت می‌شود و یا خودش آن را تلاوت می‌کند قلبش خاشع گردد. بنا بر این، بسیار جای تعجب است که جمعی از همین انسان‌ها، نه تنها از شنیدن قرآن خاشع نمی‌گردند و دچار ترس و دلواپسی نمی‌شوند، بلکه در مقام دشمنی و مخالفت هم برمی‌آیند. (همان: ۲۲۱)

۳. خود را مخاطب قرآن مجید دیدن

قاری و مستمع قرآن کریم، برای اینکه بتواند از راهنمایی‌های قرآن در هر عصری بهره‌بردار، باید خود را مخاطب قرآن بداند و اوامر و مواظب آن و نواهی و زواجرش را متوجه خود ببیند. آیات و روایاتی که بر جاودانگی قرآن دلالت دارد، می‌تواند به‌عنوان مقدمه این بحث مورد توجه باشد - که فعلاً در صدد بیان آنها نیستیم - اما آنچه باید مورد دقت قرار بگیرد، نتایج و لوازمی است که به‌دنبال این حالت روحی خواهد آمد.

لوازم مخاطب واقع شدن انسان در برابر قرآن

چنانچه انسان مؤمن، خود را مخاطب قرآن بداند و باور داشته باشد که قرآن، کلام خدا برای هدایت و دستگیری اوست، حالات و آدابی برای او پدید خواهد آمد. برخی از این موارد طی بندهایی بررسی می‌شود:

۱. استماع و انصات

نخستین رفتاری که انسان مؤمن، موظف است در برابر آیات الهی انجام دهد، گوش فرا دادن به قرائت آنها است. این حالت، آغازی برای حرکت و رشد است. مستمع با اراده‌ای محکم برای رشد و قلبی خاشع برای پذیرش هدایت‌های الهی، وقتی با تلاوت قرآن مواجه شد، لازم است که گوش جان بر پیام معبود بسپارد. خدا در قرآن کریم نسبت به سمع و استماع قرآن، آیات فراوانی نازل فرموده که حکایت از تأثیر شگرف استماع در هدایت دارد و در بخش نخست همین نوشتار به آن اشاره شد؛ اما آیه محوری این بحث، در سوره اعراف است؛ وقتی که خدا دستور به استماع و سکوت هنگام قرائت قرآن می‌دهد: «وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أُنصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ». (اعراف / ۲۰۶)

جدای از بحث فقهی زمان وجوب یا استحباب استماع و انصات که ذیل این آیه کریمه در کتاب‌های فقهی مطرح است، بحث حاضر از حیث آداب تلاوت و تأثیری که این دو امر در فراگیری و هدایت‌پذیری دارند، قابل توجه است. به قصد و تمایل به گوش دادن، استماع گویند؛ (طریحی، ۱۳۷۵: ۴ / ۳۴۸؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۴ / ۴۶۱) و انصات، سکوت به غرض استماع است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲ / ۹۸؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۵ / ۴۳۴) پس آیه دستور داده که هنگام قرائت قرآن، باید با قصد به آن گوش فرا دهید، افزون بر این که سکوت نیز داشته باشید. درباره «صمت و سکوت» احادیث فراوانی در منابع روایی موجود است که دلالت بر اهمیت آن در دریافت فهم و حکمت کرده و آن را راهنمایی به سوی هرگونه خوبی شمرده است. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲ / ۱۸۲) یکی از آثار این استماع و انصات، همان اثری است که در انتهای آیه بیان شده: «لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»؛ یعنی رسیدن به رحمت الهی که خود، عامی است که هر خیری را در برمی‌گیرد.

صاحب *کنز العرفان فی فقه القرآن* در یکی از فوایدی که از این آیه مطرح کرده، چنین می‌نویسد:

شایسته است که هریک از قاری و مستمع قرآن، مشغولیت‌های فکری خود را رها کرده، با دلی غمگین به‌دنبال درمان بیماری جهالت و کوتاهی‌هایشان باشند و همواره خویشتن را مورد خطاب تمام دستورها و منهیات قرآن بدانند و باورشان چنین باشد که قرآن با هشدارها آنها را بازخواست کرده و با وعده‌های بهشتی آنها را تشویق کرده است. (فاضل مقداد، ۱۳۷۳: ۱ / ۱۹۶)

۲. سجده و خُور

چنانچه مؤمن، به واقع، خود را مخاطب قرآن ببیند و کوچکی خویش در برابر عظمت‌های هستی و کبریایی خالق را درک نماید، تنها عکس‌العمل مناسب او، به خاک افتادن است:

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ.
(سجده / ۱۵)

تنها کسانی به آیات ما می‌گروند که چون آن [آیات] را به ایشان یادآوری کنند، سجده‌کنان به روی درمی‌افتند و به ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و آنان بزرگی نمی‌فروشند.

«خر» بنا بر تحقیق راغب اصفهانی، از ماده «خَریر» به معنای صدای آب و مانند آن است که از بلندی به زیر می‌ریزد و به کار بردن این تعبیر در مورد سجده‌کنندگان اشاره به این است که آنها در همان لحظه که برای سجده به زمین می‌افتند، صدایشان به تسبیح بلند است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۷۷) در این آیه، ایمان حقیقی به کسانی منحصر شده که دارای اوصافی هستند: تذلل و خضوع در برابر مقام ربوبیت پروردگار؛ ثنای جمیل پروردگار و تنزیه او از هرگونه نقص؛ عدم استکبار؛ پرداختن به عبادت و اجتناب از خواب؛ خواندن خدا از روی خوف و به شوق رحمت؛ و انفاق برای خدا و در راه خدا. در مفسر تفسیر التبیان می‌نویسد:

خدا در این آیه، مؤمنانی که از ایمان حقیقی و کامل به آیات و حجت‌های الهی برخوردارند را اینچنین وصف کرده که ایشان هنگامی که به حجت‌های الهی یادآوری می‌شوند و آیات پروردگار بر ایشان تلاوت می‌شود، بی‌اختیار به سجده می‌افتند تا شکرگزار هدایت الهی در شناختش و نعمت‌های متنوعش بر ایشان باشند. آنها خدا را از شرک به او و صفتهای ناروایی که به او نسبت داده می‌شود تنزیه کرده و او را حمد می‌کنند درحالی‌که استکبار و روی گردانی از طاعتش ندارند. (طوسی، بی‌تا: ۸ / ۳۰۱)

در آیه‌ای دیگر نیز سجده، از اوصاف عالمان اهل کتاب در برابر تلاوت قرآن معرفی شده است:

قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا.
(اسراء / ۱۰۷)

۳. بکاء

گریه در امور معنوی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در آداب دعا، گریستن به‌عنوان برترین ادب و نشانه رقت قلب و اخلاص دانسته شده است. (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۱۶۷) یکی از بایسته‌های قاریان و مستمعان نیز گریستن هنگام تلاوت قرآن است. این بایستگی حتی از دایره ایمان نیز فراتر رفته و می‌تواند خود، زمینه یا نشانه‌ای برای ایمان آوردن به آیات الهی باشد. در مقابل، جمود عین (سختی چشم از گریستن) مورد نکوهش واقع شده و هشدار و علامتی برای شقاوت و سنگ‌دلی دانسته شده است.

اهمیت بکاء هنگام تلاوت قرآن از منظر آیات قرآن کریم

در قرآن کریم از طوایفی که در برابر آیات قرآن، چشمی اشک بار داشته‌اند، تمجید شده است. خدا برخی از اهل کتاب را چنین وصف فرموده است:

وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ الرَّسُولَ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ
رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. (مائده / ۸۳)

و چون آنچه را به سوی این پیامبر نازل شده بشنوند، می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند، اشک از چشم‌هایشان سرازیر می‌شود. می‌گویند: پروردگارا، ما ایمان آورده‌ایم؛ پس ما را در زمره گواهان بنویس.

شیخ طوسی در **التبیان** می‌نویسد:

این آیه، وصف مسیحیان مؤمنی است که در آیات گذشته از آنها به‌عنوان نزدیک‌ترین دوستان برای مؤمنان نام برده شده بود. ایشان وقتی تلاوت آیات قرآن را می‌شنوند، چشمانی پر اشک دارند؛ چراکه «فیض العین من الدمع» یعنی پرشدن چشم از اشک جاری. (طوسی، بی‌تا: ۴ / ۳)

داستان هجرت مسلمانان به حبشه و تلاوت آیاتی از قرآن کریم توسط جعفر بن ابی‌طالب و گریستن نجاشی و راهبان، در کتاب‌های فراوانی از کتب تفسیر و علوم قرآنی ذکر شده است. (طبری، ۱۴۱۲: ۷ / ۳؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۴ / ۱۱۸۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳ / ۸۹؛ واحدی، ۱۴۱۱: ۱۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۳۶۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۶۶۹؛ راوندی، ۱۴۰۹: ۲ / ۲۳۵؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۲ / ۳۴۴؛ معرفت، ۱۴۱۰: ۴ / ۲۰۸)

از دیگر آیاتی که بکاء در برابر تلاوت آیات الهی را مطرح می‌کند، این دو مورد است: «وَيَخْرُونَ لِلأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا» (اسراء / ۱۰۹) و «أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا». (مریم / ۵۸) در این دو آیه نیز خداوند در تمجید طوایفی از بندگان متواضع خود، از این وصف یاد می‌کند که آنها در برابر استماع تلاوت آیات الهی، سجده‌کنان می‌گریند. صاحب **مجمع البیان** معتقد است، گریستن گروه نخست به جهت نگرانی از کوتاهی در عبادت و از شوق به پاداش و ترس از عقاب است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۶۸۸) وی گریه گروه دوم را تضرع ایشان به درگاه خدا می‌داند و می‌افزاید: آنها در حالی هنگام یاد آیات خدا به گریه می‌افتند که

دارای جلالت جایگاه معنوی‌اند. (همان: ۸۰۲) گاهی رسول خدا ﷺ همزمان با نزول برخی آیات، به گریه می‌افتادند. صاحب تفسیر روایی *البرهان* از کتاب سید بن طاووس نقل کرده که وی با سند خود چنین روایت می‌کند که وقتی آیاتی از سوره حجر در باره دوزخ نازل شد، پیامبر به شدت گریست و یاران حضرت نیز از گریه ایشان به گریه افتادند. در ادامه، حضرت فاطمه علیها السلام و امیرمؤمنان علیه السلام نیز پس از شنیدن این آیات به گریه افتادند. (بحرانی، ۱۴۱۵: ۳ / ۳۷۱) در روایت دیگری که امام صادق علیه السلام از امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده‌اند، آمده که رسول خدا ﷺ سوره «انا انزلناه» را با خشوع و گریه قرائت می‌کردند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۴۹) از جمله سیره‌های عبادی امام رضا علیه السلام گریه ایشان هنگام تلاوت قرآن شمرده شده است. (صدوق، ۱۳۷۸: ۲ / ۱۸۲) گاهی همین وصف، از صفات برجسته مؤمنان راستین شمرده شده است. (صدوق، ۱۳۶۲: ۴۱؛ شریف رضی، ۱۴۱۴: ۳۰۴)

در برخی کتاب‌های علوم قرآن، عنوانی را به این موضوع اختصاص داده‌اند و یکی از آداب قرائت را «بکاء» برشمرده‌اند. (ابوعبید، ۱۴۲۶: ۶۳؛ نووی، ۱۴۲۱: ۹۰؛ سخاوی، ۱۴۱۹: ۱ / ۳۲۱؛ ابن‌قیم، ۱۴۲۷: ۴۶۱؛ مجیدی، بی‌تا: ۱۷۶؛ طاهری، ۱۳۷۷: ۱ / ۵۶؛ عبدالقادر، ۱۴۲۲: ۱۱۸؛ حنفی، ۲۰۰۴: ۱ / ۱۴۰؛ دخیل، ۱۴۲۹: ۴۲۶؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ۲ / ۱۹۴) در مجموع از روایات، اهمیت بکاء هنگام تلاوت قرآن و استماع آن به‌دست می‌آید و این مسئله وقتی اتفاق می‌افتد که انسان، خود را مخاطب قرآن بداند.

اهمیت این حالت به قدری است که فقیهان نیز به میدان آمده و درباره حکم گریستن در بین نماز بحث مفصلی کرده‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۲ / ۵۵) از طرفی، جمود عین، موضوعی است که در برخی احادیث، مورد نکوهش واقع شده است. در روایتی نبوی خشکی چشم، از نشانه‌های شقاوت دانسته شده. (صدوق، ۱۳۶۲: ۱ / ۲۴۳) نویسنده جامع روایی *وسائل الشیعه* یکی از ابواب کتاب الصلوه را «أبوابُ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَ لَوْ فِي غَيْرِ الصَّلَاةِ» نام‌گذاری کرده و در ذیل آن، بابی را به‌عنوان «بَابُ اسْتِحْبَابِ الْبُكَاءِ أَوْ التَّبَاكِي عِنْدَ سَمَاعِ الْقُرْآنِ» اختصاص داده و در آن یک روایت از امام صادق علیه السلام نقل کرده که رسول خدا ﷺ خطاب به گروهی فرمود: «إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَقْرَأَ عَلَيْكُمْ فَمَنْ بَكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ» و سپس آیات آخر سوره زمر را قرائت کردند. در پایان روایت، امام علیه السلام آن گروه را به سبب بکاء هنگام قرائت آیات قرآن، بهشتی معرفی می‌کند. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۶ / ۲۱۹) ابو اسامه می‌گوید: با امام صادق علیه السلام همراه بودم که به من فرمود: قرائت کن و من سوره‌ای از قرآن را قرائت کردم. حال رقت به امام دست داد و گریست. (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۱۶۷)

نتیجه

۱. یکی از ابزارهای تبلیغ و ترویج دین و معارف قرآن کریم، تلاوت قرآن کریم است. رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام همواره از این هنر و وسیله استفاده کرده و دیگران را نیز به بهره‌مندی از آن توصیه فرموده‌اند.
۲. با توجه به آیات، آثار مختلفی بر تلاوت قرآن مترتب است. از جمله این آثار، ایجاد ایمان در افراد و سپس ازدیاد آن است.
۳. برای دریافت برکات و هدایت‌های قرآن هنگام تلاوت آیات آن، باید شرایط و زمینه‌هایی در افراد وجود داشته باشد. از جمله شرایط برای تأثیرپذیری در برابر تلاوت قرآن، «اراده کردن برای رشد»، «داشتن قلبی خاشع» و «خود را مخاطب قرآن دیدن» است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز، چ ۳.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲ ق، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت، دار الکتب العربی.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۶۹ ق، *متشابه القرآن و مختلفه*، قم، بیدار.
- ابن عربی، محمد بن علی، ۱۴۲۲ ق، *تفسیر ابن عربی*، تحقیق: سمیر مصطفی رباب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن عرفه، محمد بن محمد، ۲۰۰۸ م، *تفسیر ابن عرفه*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ ق، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، ۱۴۰۷ ق، *عدة الداعی و نجاح الساعی*، بیروت، دار الکتب الاسلامی.
- ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، ۱۴۲۷ ق، *البدائع فی علوم القرآن*، تحقیق یسری سید محمد، بیروت، دار المعرفة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، تحقیق جمال‌الدین میردامادی، بیروت، دار الفکر، چ ۳.

- ابو عبید، قاسم بن سلام، ۱۴۲۶ ق، *فضائل القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- انصاریان، حسین، ۱۳۸۳، *ترجمه قرآن کریم*، قم، اسوه.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ۱۳۷۴، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، مؤسسه بعثت.
- بُرسوی، اسماعیل بن مصطفی، بی تا، *روح البیان*، بیروت، دار الفکر.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، تحقیق مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ثعلبی، احمد بن محمد، ۱۴۲۲ ق، *الکشف و البیان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- حفنی، عبد المنعم، ۲۰۰۴ م، *موسوعة القرآن العظیم*، قاهره، مکتبه مدبولی.
- دخیل، دخیل عبدالله، ۱۴۲۹ ق، *اقراء القرآن الکریم*، جده، مرکز الدراسات و المعلومات القرآنیة بمعهد الامام الشاطبی.
- رازی ابوالفتح، حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان*، تحقیق محمدمهدی ناصح و محمدجعفر یاحقی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت و دمشق، دار القلم و الدار الشامیة.
- راوندی، قطب الدین، ۱۴۰۹ ق، *قصص الانبیاء علیهم السلام*، مشهد، مرکز پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رسعی، عبدالرزاق بن رزق الله، ۱۴۲۹ ق، *رموز الكنوز فی تفسیر کتاب العزیز*، مکه مکرمه، مکتبه الاسدی.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم، بی تا، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی، چ ۳.
- سخاوی، علی بن محمد، ۱۴۱۹ ق، *جمال القراء و کمال الاقراء*، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیة.

- شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ ق، *نهج البلاغه*، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت.
- شورای عالی قرآن، ۱۳۹۳، *ویژگی‌های تلاوت استادانه*، تهران، مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۲، *خصال*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۲، *صفات الشیعة*، تهران، اعلمی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۸ ق، *عیون اخبار الرضا (ع)*، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
- طاهری، حبیب‌الله، ۱۳۷۷، *درس‌هایی از علوم قرآنی*، قم، اسوه.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی، چ ۲.
- طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۲ ق، *مکارم الاخلاق*، قم، شریف رضی، چ ۴.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو، چ ۳.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۹۰ ق، *اعلام الوری باعلام الهدی*، تهران، اسلامیة، چ ۳.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۲ ق، *جوامع الجامع*، تصحیح: ابوالقاسم گرگی، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تأویل آی القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، چ ۳.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۶۹، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام، چ ۲.
- عبدالقادر، محمد منصور، ۱۴۲۲ ق، *موسوعه علوم القرآن*، حلب، دار القلم العربی.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، ۱۳۷۳، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، تصحیح محمدباقر شریف‌زاده و محمدباقر بهبودی، تهران، مرتضوی.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۱۳۷۵، *روضة الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم، رضی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *کتاب العین*، قم، هجرت، چ ۲.
- فرجی، جهانبخش، ۱۳۹۶، *صداسازی در هنر معنوی تلاوت*، تهران، تلاوت.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی‌اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چ ۶.

- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ۴.
- ماتریدی، محمد بن محمد، ۱۴۲۶ ق، *تأویلات اهل السنة*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، *مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول ﷺ*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ۲.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۹۳، *معرفة القرآن علی ضوء الكتاب و السنة*، قم، دار الحدیث.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۲، *تاریخ قرآن*، تهران، سمت، چ ۵.
- معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۰ ق، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چ ۳.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ۱۰.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۵، *پیام قرآن*، قم، نسل جوان، چ ۳.
- ملکی میانجی، ۱۴۱۴ ق، *مناهج البیان*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نووی، یحیی بن شرف، ۱۴۲۱ ق، *التبیان فی آداب حملة القرآن*، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- واحدی، علی بن احمد، ۱۴۱۱ ق، *اسباب نزول القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیه.